

مصاحبه با فردوس رضوی، خبرنگار جوان هلال احمر

خبرنگار امدادگر یعنی بی طرف بی غرض



فکر می‌کنی همین که یه میکروفن دستت بگیری و بری برای تهیه‌ی یه گزارش و یک کم هیجان و انرژی چاشنیش کنی همه چی حله؟ نه رفیق. از این خبرا نیست. تا حالا شده رفته باشی یکی از مناطق زلزله‌زده رو از نزدیک ببینی و ببخوای از درد و رنج مردمی که عزیزشون رو از دست دادن گزارش تهیه کنی؟ می‌تونی گریه‌ها و ناله‌های کودکان و مادران و پدران رو ببینی و بی تفاوت بری دنبال تهیه‌ی گزارشات؟ اگه خیلی ادعا داری، یه بار امتحان کن. فردوس رضوی، جوان توانای پوشه‌ری این کار رو کرده.

بنی آدم‌هایی از یک پیکر

فائزه دائمی



راستش را بخواهید خبر کوتاه نبود، نه این‌که خدایی نکرده خبرگزاری‌ها قصد روده درازی داشته باشند، نه! قضیه آنقدری عجیب و غریب و هولناک و دلخراش است که خبرهای کوتاه از پس بازگو کردنش بر نمی‌آیند. حتما می‌دانید دیگر، دارم از اتفاقی که در غزه در حال وقوع است و جهانیان را تکان داده حرف می‌زنم، از جنایت هولناکی که هرچه‌قدر که می‌نشینم و با خودم دو دو تا چهارتا می‌کنم برای نوشتن، به جز مرثیه چیزی از نوک انگشتان جوهری‌ام نمی‌چکد. اما در این میان هستند کسانی که به اندازه‌ی من سرگردان نیستند، کسانی که می‌دانند هر چند به سختی، اما می‌توان در شرایط هولناک کنونی هم لبخند را به لب کودکان آورد. توی این ببحوحه‌ی خون و جنگ و آتش بس‌هایی که دو ساعت بیش‌تر دوام نمی‌آورند، تهیه‌کنندگان «شهر موش‌ها ۲» ضمن اختصاص درصدی از فروش این فیلم به کودکان کار ایران و کودکان آسیب‌دیده از جنگ کشورهای دیگر منطقه، از دوبله‌ی آن به زبان عربی و نمایش برای کودکان غزه خبر دادند. می‌بینید؟ انگار هنوز هم بنی آدم اعضای یکدیگرند. منیژه حکمت، تهیه‌کننده‌ی «شهر موش‌ها ۲» می‌گوید: «با توجه به فاجعه‌ی انسانی و بشری در غزه، عراق، سوریه، افغانستان و تمام کشورهایی که جنگ‌گریبان کودکان آن‌ها را گرفته، تصمیم گرفتیم «شهر موش‌ها» با بضاعت خودش به این عزیزان کمک کند.» منیژه حکمت خطاب به این کودکان گفت: «می‌خواهیم در این جنگ نابرابر و ضد بشری، شما را در شادی کودکان ایران سهیم کنیم و با آماده کردن نسخه‌ی عربی، حداقل برای دو ساعت فارغ از هر نوع رفتار ضد انسانی در کنار شما به دیدن «شهر موش‌ها» بنشینیم و همراه با این فیلم رفتار انسانی را به حاکمان زورگو یاد دهیم.»

آموزش لازم را دیده باشید، می‌توانید جان یک انسان را نجات دهید.

● یک امدادگر هلال احمر چه ویژگی‌هایی دارد؟

به ما آموزش داده‌اند که یک امدادگر در ابتدا باید بی‌غرض و بی‌طرف باشد. انسانیت و جهان‌شمول بودن در این حرفه بسیار حائز اهمیت است. نباید برای شما مسلمان یا غیر مسلمان بودن فرد یا ملیت‌اش مهم باشد. هدف نجات جان یک انسان است. خونسردی و سرعت عمل در هنگام حادثه نقش اصلی را دارد. باید از کم‌ترین و کوچک‌ترین ابزاری که در دست داریم استفاده کنیم. گاهی پیش می‌آید در جاده تصادفی رخ می‌دهد و ما هیچ ابزاری در دست نداریم، در این مواقع می‌توان از دو تکه چوب و پارچه استفاده کرد.

● برای نوجوانی که علاقه‌مند به خبرنگاری یا امداد رسانی است، چه حرفی دارید؟

خبرنگاری که می‌خواهد در منطقه‌ی بحران‌زده فعالیت کند بهتر است دوره‌های امدادی گذرانده باشد. یک خبرنگار باید مشکلات انسان‌ها را از نزدیک درک کند تا بتواند خبر واقعی‌تری را ارائه دهد. این حرفه، حرفه‌ی سختی است. برخورد آدم‌ها با یکدیگر متفاوت است. یکی ممکن است با اولین برخورد با شما ارتباط بگیرد و دیگری ممکن است پرخاش کند. نباید با یک برخورد بد زده شوید.

نوجوانی که می‌خواهد امداد رسان خوبی شود، ابتدا ببیند با روحیاتش سازگار است یا خیر، سپس وارد شود. قبل از هر چیز یک امداد رسان باید بر خود و احساساتش مسلط باشد.

پاسی از شب، هم برای تهیه‌ی گزارش و هم کمک به مردم حضور داشتیم. لحظات بسیار سختی بود. به ما آموزش داده بودند که برای تهیه‌ی خبر می‌بایست در منطقه قدم بزنید و حوادث را خوب ببینید و صحنه‌ها را گزارش کنید، اما تنها این نیست که من قدم بزنم و درد و رنج مردم را ببینم و هیچ عکس‌العملی نشان ندهم. واقعا خبرنگاری این نیست. من خبرنگار باید در این جور مواقع صبر و تحمل زیادی داشته باشم.

به ما آموزش داده‌اند که یک امدادگر در ابتدا باید بی‌غرض و بی‌طرف باشد. انسانیت و جهان‌شمول بودن در این حرفه بسیار حائز اهمیت است. نباید برای شما مسلمان یا غیر مسلمان بودن فرد یا ملیت‌اش مهم باشد

باید طرف مقابل را درک کنم، در واقع یک جور روانشناسی بلد باشم. در آن بحران بعضی از مردم سر ما فریاد می‌زدند و با فریاد زدن آرام می‌شدند. باید انقدر بر خودت مسلط باشی که بتوانی حس طرف مقابل را درک کنی.

● به نظر شما آموزش کمک‌های اولیه و امداد رسانی برای همه‌ی افراد لازم است؟

شعار هلال احمر این است: «هر خانواده یک امدادگر باید داشته باشد.» گذراندن آموزش کمک‌های اولیه به نفع همه است. زمانی که حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، اگر شما

● **چی شد که یک امدادگر هلال احمر شدید؟**
چند سال پیش از طریق یکی از دوستانم متوجه شدم که هلال احمر دوره‌های آموزشی امداد و نجات در بوشهر برگزار می‌کند و از آن‌جا که به کارهای عام‌المنفعه علاقه داشتم، در آن کلاس‌ها شرکت کردم.

● خبرنگاری را از کجا شروع کردید؟

سال ۸۱ دوره‌های خبرنگاری را گذراندم و سپس فعالیت‌م را با صدا و سیما و بعد از آن با خبرنگاری آنا آغاز کردم. در حال حاضر هم خبرنگار بحران جمعیت هلال احمر هستم و اتفاقات و حوادثی که در استان خودمان می‌افتد را گزارش می‌کنم. علاوه بر این خبرنگار واحد خبر صدا و سیما هم هستم.

● اولین بار که کشف کردید به خبرنگاری علاقه دارید کی بود؟

دوران تحصیل در مدرسه، بسیاری از برنامه‌های مناسبی را من به عهده می‌گرفتم، کلا به کارهایی که کمی هیجان داشت علاقه داشتم، چون در وجود خودم یک انرژی و هیجان بی‌اندازه احساس می‌کردم. رفته‌رفته با مشاهده‌ی خبرنگارهایی که در تلویزیون می‌دیدم و با تشویق خانواده احساس کردم از عهده‌ی این کار سخت اما پر هیجان بر می‌آیم.

● تا به حال شده در یک موقعیت سخت برای تهیه‌ی خبر یا امداد رسانی قرار گرفته باشید؟

بله. ۲۰ فروردین ۹۲ در شهرستان دشتی و در منطقه‌ی شومبه و طسوج زمین‌لرزه‌ی شدیدی اتفاق افتاد که باعث خرابی بسیاری از خانه‌ها شد. گروه مدیریت بحران تهران در بوشهر حضور داشتند و هر روز در منطقه امداد رسانی می‌کردند. من هم به همراه آنان تا

فریبا دنبندار

روزبه خیر آقای دقیق!



شهری که آقای هوبلت در آن زندگی می‌کند یک شهر منحصر به فرد است. چون همه‌ی خانه‌ها و شخصیت‌ها در آن از آهن و فلز و پیچ و مهره ساخته شده‌اند. آقای هوبلت مشغول زندگی معمولی و تکراری خودش است

این کسی که شبیه بادام‌زمینی می‌ماند، روی پیشانی‌اش به جای خال و جوش «عدد» دارد و شب و روز یک پالتوی چرم زرشکی تنش است، آقای «هوبلت» است. او مردی تنها و دقیق است. بله! «تنها» و «دقیق» دو ویژگی برجسته و مهم آقای هوبلت هستند. برای فهمیدن این ویژگی‌ها هم لازم نیست خیلی زحمت بکشید و فسفر بسوزانید. او در تمام وعده‌های غذایی سر میز غذاخوری تنها است و کسی را ندارد تا به او «شب‌بخیر» یا «صبح‌بخیر» بگوید. برای دقیق بودنش هم همین کافی‌ست که بداند او روزی چند بار تمام تابلوهای روی دیوار خانه‌اش را تنظیم می‌کند و سر ساعت و دقیقه و ثانیه‌ی مقرر چای‌اش را می‌نوشد، قفل در خانه‌اش را باز می‌کند، از خانه بیرون می‌رود و به خانه برمی‌گردد. او برای تمام دقیقه‌ها و حتی ثانیه‌های زندگی‌اش برنامه‌ی مشخص دارد. اصلا معنادارترین و مهم‌ترین چیز در زندگی آقای هوبلت، ساعت و عقربه‌ها و گذر زمان است.

که یک «سگ کوچولو» همه‌چیز را تغییر می‌دهد. بله! یک سگ کوچولو توانایی این را دارد که احساسات آقای هوبلت را برانگیزد و اعداد روی پیشانی‌اش را با بالاترین سرعت ممکن جابه‌جا کند.

صامت بودن، طراحی منحصر به فرد شخصیت‌ها و عناصر و فضاها، و موسیقی متن از جمله ویژگی‌هایی هستند که وقت تماشای این انیمیشن بازده دقیقه‌ای باعث شگفتی مخاطب و بیننده می‌شود. باورتان می‌شود که این انیمیشن بازده دقیقه‌ای بیش از ۲۰ جایزه‌ی جهانی را از آن خودش کرده باشد؟ من هم باورم نمی‌شود، اما واقعیت دارد که این انیمیشن در کم‌تر از یک سال بعد از تولید، این همه جایزه را برده است. بزرگ‌ترین این جایزه‌ها هم، جایزه‌ی «بهترین انیمیشن کوتاه» اسکار ۲۰۱۴ است.

انیمیشن «آقای هوبلت» به کارگردانی لورنت ویتز و الکساندر اسپیگرز در سال ۲۰۱۳ ساخته و تولید شده است.